

درآمدی بر تبیین نهادی علل پایین بودن بهره‌وری در اقتصاد ایران

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۸/۰۵

تاریخ تأیید: ۹۰/۰۷/۱۱

محمود متوسلی^۱

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

فرشاد مؤمنی^۲

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

جمال فتح‌اللهی^۳

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه مفید

چکیده

بهره‌وری کل عوامل تولید در اقتصاد ایران به گواه مطالعات و آمارهای رسمی داخلی و خارجی پایین است. مقاله حاضر در پی استخراج چارچوبی برای تبیین دلایل این مسئله است.

روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی است و تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس چارچوب نظری یافته‌های مکتب نهادگرایی به خصوص نظریات نورث^۴ انجام می‌شود.

از نظر نورث برای بهبود بهره‌وری دو مجموعه نهادی باید اصلاح شوند: الف- نهادهای طرف عرضه: یعنی خلق یک ساختار نهادی و سازماندهی که فعالیت‌های تسهیل‌گر بهره‌وری را تشویق نماید. تغییرات طرف عرضه با کاهش هزینه‌های مبادله و تبدیل موجب بهبود بهره‌وری می‌شود. نهادهایی که هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهند عبارتند از: نهاد حقوق مالکیت، نهادهای مرتبط با عدم اطمینان و ریسک، نهادهای مؤثر بر تحرک سرمایه و نهادهای مرتبط با جریان شفاف اطلاعات. ضعف نهادهای فوق منجر به افزایش هزینه‌های مبادله شده و مانعی بر سر راه بهبود بهره‌وری تلقی می‌شود. نهادهایی که هزینه‌های تبدیل را کاهش می‌دهند، نیز شامل آن‌هایی هستند که امکان معرفی و بکارگیری تکنولوژی پیشرفته را فراهم می‌کنند.

ب- نهادهای طرف تقاضا: تغییرات القاء شده از طرف عرضه در سازماندهی و تکنولوژی، هزینه‌ها و منافع درک شده افراد و گروه‌ها را در طول تاریخ تغییر می‌دهد و واکنش‌هایی را از طریق عمل گروهی یا فرایندهای سیاسی ایجاد می‌کند که بهره‌وری اقتصاد را متأثر می‌کند. به عبارت دیگر این‌گونه نهادها (ی رسمی و غیررسمی) تقاضا برای نهادهای گروه الف را در جامعه ایجاد می‌کنند.

دستیابی به عملکردهای بالای بهره‌وری مستلزم وجود یک نظام سیاسی قابل دوام است که نهادهای اقتصادی لازم را ایجاد کند و تضمین‌های اجرایی مؤثر را فراهم نماید. مجموعه نهادهای مورد نیاز هر کشور نیز باید بر اساس دانش محلی و ویژگی‌های زمانی و مکانی آن کشور طراحی شوند. نظام سیاسی مشارکتی مؤثرترین سازوکار برای فرآوری و تجمیع دانش محلی به منظور طراحی چنین نهادهایی است.

واژگان کلیدی: بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP)، اقتصاد نهادی، توسعه اقتصادی، تغییرات نهادی

طبقه‌بندی موضوعی: B52 O47, O17

1. Email: motavaselim@yahoo.com
2. Email: farshad.momeni@gmail.com
3. Email: Jfathollahi@gmail.com
4. Douglas C. North

مقدمه

بر اساس تئوری‌های رشد اقتصادی، افزایش تولید از دو مجرا قابلیت تحقق دارد: محور نخست افزایش کمی نهاده‌هاست که تحقق آن نیازمند افزایش عوامل تولید می‌باشد. محور دیگر ارتقای بهره‌وری کل عوامل (TFP) است که با بهره‌گیری مطلوب‌تر از ظرفیت‌های موجود امکان‌پذیر می‌باشد. در حالی که کشورهای موفق نیمی از رشد اقتصادی خود را از طریق بهبود بهره‌وری به دست می‌آورند بررسی‌ها حاکی از آن است که در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۶ بهره‌وری کمی به رشد اقتصادی نکرده است (جدول ۳). مقایسه وضعیت ایران با بسیاری از مناطق و کشورهای دنیا در برخی شاخص‌های بهره‌وری نیز نشانگر عمق چالش اقتصاد ایران در این مسئله می‌باشد.

تولید به معنای تبدیل نهاده‌هایی مانند زمین، نیروی کار و سرمایه به ستانده کالا و خدمات نه تنها تابعی است از دانش فنی به کار گرفته شده، بلکه از نهادها نیز تبعیت می‌کند (نورث، ۱۹۹۰: ۱۰۵). از آنجا که در مدل نئوکلاسیک فرض می‌شود اطلاعات لازم برای این تبدیل بدون هزینه در دسترس است و محاسبات نیز هزینه‌ای در بر ندارد (هزینه‌های مبادله صفر فرض می‌شود) بنابراین تخصیص منابع به صورت خودکار بهینه است و بهره‌وری مدیر هیچ نقشی ایفا نمی‌کند (همان، ۱۲۶). در صورتی که در دنیای واقع وجود هزینه‌های مبادله نه تنها مانع از تخصیص بهینه منابع می‌شود بلکه گاهی اوقات به قطع یک فعالیت منجر می‌شود (Coase, 1960: 16).

با این مقدمه هدف اصلی این تحقیق، استخراج چارچوبی برای تبیین دلایل پایین بودن بهره‌وری کل عوامل تولید در اقتصاد ایران با استفاده از یافته‌های اقتصاد نهادی است. بنابراین سؤالات اصلی پژوهش به شرح زیر است:

الف- آیا مسائل بهره‌وری کشور را می‌توان از طریق چارچوب نظری اقتصاد نئوکلاسیک

تبیین نمود؟

ب- چگونه می‌توان از یافته‌های اقتصاد نهادی برای استخراج چارچوب نظری تحلیل مسائل

بهره‌وری کشور استفاده نمود؟

به منظور پاسخگویی به سؤالات فوق طراحی و سازماندهی مقاله بدین شرح است: در بخش اول مفاهیم مورد استفاده از جمله بهره‌وری، اقتصاد مسیر اصلی و اقتصاد نهادی تعریف می‌شود. در بخش دوم مسئله اصلی تحقیق تشریح می‌شود. در بخش سوم مبانی نظری بهره‌وری و پیش فرض‌های آن در اقتصاد نئوکلاسیک ارائه می‌گردد. موضوع بخش چهارم معرفی اقتصاد نهادی است. در بخش آخر چارچوب نظری مقاله تشریح می‌شود و در نهایت جمع‌بندی ارائه خواهد شد.

۱- تعریف مفاهیم

۱-۱- بهره‌وری

بهره‌وری معادل کلمه Productivity در زبان انگلیسی است و از نظر لغوی به عنوان نرخ تولید کالاها تعریف شده است (Manser, 1995: 329). نخستین بار لغت «بهره‌وری» در مقاله‌ای توسط کنه^۱ در سال ۱۷۶۶ میلادی ظاهر شد. در سال ۱۸۸۳ لیتر^۲ بهره‌وری را «قدرت و توانایی تولید کردن» تعریف کرد. از اوایل قرن بیستم این واژه مفهوم دقیق‌تری، به عنوان رابطه بازده (ستانده)، و عوامل و وسایل به کار رفته برای تولید آن بازده (نهاده یا داده)، را به دست آورد (ابطحی و کاظمی، ۱۳۸۰: ۴).

پروکوپنکو^۳ بهره‌وری را حاصل جمع کارایی و اثربخشی می‌داند (پروکوپنکو، بی تا: ۲۳). کارایی را میزان مؤثر بودن منابع مورد استفاده برای تولید محصول مفید (انجام درست کار) و اثربخشی را میزان دستیابی به اهداف (انجام کار درست) تعریف می‌کند. از نگاه اداره آمار ملی^۴ انگلستان؛ بهره‌وری رابطه بین داده‌ها و ستانده‌ها را در فرآیند تولید به نمایش می‌گذارد و به عنوان یک مفهوم عملیاتی بهبود آن به افزایش استاندارد زندگی و رقابت‌پذیری اقتصاد کمک می‌کند (ONS 2007,1). سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD 2001,2008)^۵ بهره‌وری را برابر با خارج قسمت خروجی (میزان تولید) بر یکی از عوامل تولید تعریف می‌کند. هلپمن بهره‌وری را برای توصیف ویژگی‌های مختلفی که رابطه بین داده‌ها و ستانده‌ها را متأثر می‌کند، به کار می‌برد (Helpman, 2004,19). هالتن بهره‌وری را ستانده به ازاء هر واحد از داده تعریف می‌کند و معتقد است که TFP به طور ضمنی یک بخش از جریان دایره‌وار درآمد است (Hulten, 2001: 5).

به طور خلاصه می‌توان گفت بهره‌وری ابزاری است برای اندازه‌گیری اینکه چگونه یک کشور (یا شخص، صنعت، سازمان) منابع در اختیار خود را (مانند نیروی کار، مواد، ماشین‌آلات، منابع طبیعی، دانش و ...) به کالاها و خدمات مورد نیاز تبدیل می‌کند. در این تعریف، کارایی عبارت است از میزان تولید کالاها و خدمات با استفاده از منابع در اختیار که تابع فرآیندهای تبدیل عوامل تولید به محصولات است. اثربخشی نیز میزان تطابق اهداف جامعه با تولیدات را اندازه‌گیری می‌کند. اهداف هر یک از افراد و نحوه تجمیع آن‌ها به منظور دستیابی به اهداف جامعه نیز تابع ساختارهای حاکم بر آن جامعه است. بنابراین بهره‌وری (= کارایی + اثربخشی) هر اقتصاد تابع نوع نهادی (رسمی یا غیررسمی) جامعه مورد مطالعه است.

1. Quesnay

2. Littré

3. Joseph Prokopenko

4. Office of National Statistics (ONS).

5. Organization for Economic Co-Operation and Development (OECD).

۱-۲- اقتصاد نهادی

اقتصاد نهادی به عنوان خانواده‌ای از نظریه‌هاست که وجه اشتراکشان «مهم دانستن توجه به نهادها» در مطالعه اقتصاد است (چاونس، ۱۳۹۰: ۳۵). این مکتب در سال ۱۸۹۸ با انتشار مقاله معروف ویلن با عنوان «چرا اقتصاد علم تکاملی نمی‌باشد» آغاز شد (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۹). به‌رغم وجود اشتراکی که نحله‌های مختلف نهادگرایان دارند اما تفاوت‌های قابل توجهی نیز در بین آن‌ها مشاهده می‌شود. ریشه اختلافات آن‌ها در تعریف نهاد است (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۲). نهادگرایان اولیه (قدیم) عمدتاً نهاد را به عنوان عادات فکری^۱ (Veblen, 1899: 126)، عمل دسته‌جمعی که اعمال فردی را تعریف می‌کند (Commons, 1931:648) یا مجموعه‌ای از قواعد اجتماعی مسلم و جاافتاده‌ای که کنش‌های متقابل اجتماعی را سازماندهی می‌کنند (Hodgson, 2006: 18) تعریف می‌کنند. نهادگرایان جدید نهادها را قوانین بازی در جامعه تعریف می‌کنند (نورث، ۱۳۷۷: ۱۹-۲۱) و (ویلیامسون، ۲۰۰۰) یا به عبارتی دقیق‌تر آن‌ها را قیودی وضع شده از جانب نوع بشر می‌دانند که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند و سبب نظام‌مند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌گردند.

۱-۲-۱- نهادگرایان قدیم

نهادگرایی اولیه به عنوان یک مکتب فکری معارض و دگراندیش در برابر اقتصاد مسلط نئوکلاسیک ریشه در مکتب تاریخی آلمان دارد که توسط اشمولر پایه‌گذاری شده است (Chavance, 2009: 4). مکتب تاریخی از سال ۱۸۴۳ به مدت چهل سال بر دانشگاه‌های آلمان تسلط بلامنزاع داشت. آن‌ها برخلاف کلاسیک‌ها عقیده داشتند که علم اقتصاد دارای کاربرد عمومی نیست؛ بلکه کاربرد آن محدود به جامعه‌ای است که از آن برخوردار است. به عقیده مکتب تاریخی، شکل زندگی اقتصادی هر ملتی، مقوله خاص آن ملت در زمان معین و محصولی از گذشته آن است و بنابراین فقط با مطالعه گذشته آن ملت فهمیده می‌شود (تمدن چهرمی، ۱۳۸۳: ۹۱).

۱-۲-۲- نهادگرایان جدید

عبارت اقتصاد نهادی جدید اولین بار توسط ویلیامسون در سال ۱۹۷۵ استفاده گردید (Richter, 2005: 1). نهادگرایی جدید یک معرفت میان رشته‌ای است که علم اقتصاد، حقوق، تئوری سازمان، علم سیاست، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را به هدف فهم نهادهای زندگی اجتماعی، سیاسی و تجاری ترکیب می‌کند (Keline, 1999: 456). سه برنده جایزه نوبل یعنی بوکانان^۲، کوز و

1. Habits of thought
2. James Buchanan

ویلیامسون که نهاد را با کاربرد تئوری‌های اقتصاد خرد تحلیل می‌کنند نیز در این ردیف طبقه‌بندی می‌شوند. هدف اقتصاد نهادگرای جدید بسط قلمرو نظریات نئوکلاسیک از طریق تبیین آن دسته از عوامل نهادی (از قبیل حقوق مالکیت و ساختار حکمرانی) است که در اقتصاد مرسوم داده‌شده تلقی می‌شوند (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۹).

۲- طرح مسئله

داده‌های اقتصاد ایران حاکی از آن است که در دوره زمانی ۱۳۵۵-۱۳۸۶ به‌رغم افزایش ۲۶ درصدی سرمایه سرانه (سرمایه به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ به ازاء هر نفر نیروی کار)، دو برابر شدن درصد شاغلین باسواد، پنج برابر شدن درصد شاغلین دارای تحصیلات عالی و کاهش درصد شاغلین بی‌سواد به یک پنجم میزان آن در سال ۱۳۵۵ شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) با ۶ درصد کاهش مواجه بوده است (جدول ۱ و ۴). به عبارت دیگر هر چند تمامی عوامل تعیین‌کننده بهره‌وری از دید اقتصاد نئوکلاسیک در حال بهبود می‌باشد نه تنها بهبودی در بهره‌وری اقتصاد ملی مشاهده نمی‌شود بلکه وضعیت بدتر نیز شده است. برآوردهای سازمان‌های بین‌المللی از جمله یونیدو نیز مؤید پایین بودن بهره‌وری کل عوامل تولید در اقتصاد ایران است (Isaksson, Ng and Robyn, 2005: 65). مطالعات متعدد داخلی از جمله، عباسیان و مهرگان (۱۳۸۶)، جهانگرد (۱۳۸۰) و امینی (۱۳۷۹) نیز حاکی از وضعیت نامناسب بهره‌وری کل عوامل در کشور است. این وضعیت در مقام مقایسه با کشورهای دیگر نیز قابل قبول نیست. به لحاظ میزان رشد بهره‌وری نیروی کار طی سال‌های ۱۹۷۱-۲۰۰۶ در بین کشورهای عضو APO^۱ در رتبه آخر قرار داریم (جدول ۲). در حالی که بهره‌وری نیروی کار (نسبت ارزش افزوده به تعداد شاغلین) طی سال‌های مورد بررسی در کشورهای عضو APO به طور متوسط سالانه ۲/۵ درصد رشد کرده است، در اقتصاد ایران تنها شاهد ۰/۲۲ درصد رشد بوده‌ایم (کمتر از یک دهم میانگین رشد اعضای APO). البته این رشد ناچیز نیز به مدد انباشت سرمایه‌های حاصل از درآمدهای نفتی به دست آمده است. به طوری که شاخص بهره‌وری سرمایه طی سال‌های مورد بررسی با رشد منفی همراه بوده است (جدول ۳). این ارقام را وقتی با رشد ۶/۹ درصدی چین یا ۵/۸ درصدی لائوس مقایسه می‌کنیم فاصله‌ها بسیار بیشتر به چشم می‌آید. پایین بودن بهره‌وری بسیاری از مشکلات اقتصادی از جمله کاهش شدید رابطه مبادله، کاهش درآمد سرانه، افزایش فقر و کاهش رفاه و ... را به دنبال دارد (پروکوپنکو، بی‌تا: ۲۵)؛ بنابراین حل بسیاری از مسائل اقتصادی کشور مانند تورم، بیکاری و فقر مستلزم حل مسئله بهره‌وری است.

1. Asian Productivity Organization

بهبود بهره‌وری عوامل تولید از جنبه‌های گوناگون حائز اهمیت است. اول اینکه: بهره‌وری یکی از اجزای تشکیل‌دهنده رشد اقتصادی است. متأسفانه در حالی که TFP در دنیا به طور متوسط ۴۰ درصد از رشد اقتصادی را تأمین کرده است در اقتصاد ایران نه تنها کمکی به رشد اقتصادی نکرده است بلکه رشد آن منفی نیز بوده است (جدول ۳). دومین جنبه از اهمیت بهره‌وری، تأثیر آن بر رقابت‌پذیری و بهبود رابطه مبادله در اقتصاد بین‌الملل است (پروکوپنکو، بی تا: ۲۵). بهبود بهره‌وری از طریق کاهش هزینه واحد تولید باعث بهبود قدرت رقابتی شده و زمینه ورود به بازار جهانی را فراهم می‌نماید. فقر زدایی، کاهش محرومیت‌ها و دستیابی به عدالت اجتماعی سومین دلیل اهمیت بهره‌وری است. بهبود بهره‌وری عوامل تولید از جمله نیروی کار، فرصت پرداخت دستمزدهای بالاتر را فراهم می‌نماید (کازرونی و سجودی، ۱۳۸۵). از آنجا که نیروی کار معمولاً تنها عامل تولید اقشار فقیر جامعه است، افزایش دستمزد می‌تواند باعث افزایش درآمد فقرا و در نتیجه کاهش محرومیت‌ها شده و زمینه دستیابی به عدالت اجتماعی را فراهم نماید.

در چارچوب نظری اقتصاد نهادی؛ عملکرد جاری بهره‌وری محصول یک مجموعه نهادی تلقی می‌گردد. هر چند خروجی مجموعه نهادی، پیشنهاد یکسری سیاست‌هاست اما اقتصاد نهادی می‌گوید برای اصلاح پیامد از طریق اصلاح سیاست‌ها باید نهادهایی که این‌گونه سیاست‌ها را تولید می‌کنند اصلاح کنیم. آن دسته از اقتصاددانان نئوکلاسیک که به نقش نهادها توجه می‌کنند نیز معتقدند که جعبه ابزار نئوکلاسیک (قیمت‌های نسبی و رقابت) توانایی اصلاح نهادها را دارد. این نظریه شاید با شرایط کشورهای توسعه یافته که ماتریس نهادی آن‌ها در طول زمان با الزامات اقتصاد بازار تطبیق یافته، سازگار باشد اما به نظر نمی‌رسد بتواند نهادهای ناکارای کشورهای در حال توسعه که با مشکلات وابستگی به مسیر نیز روبرو هستند را اصلاح نماید. به عبارت دیگر نمی‌توان انتظار داشت که اصلاحات نهادی مورد نیاز در کشورهای در حال توسعه با تغییر قیمت‌های نسبی اتفاق بیفتد. بنابراین در چارچوب این دیدگاه مسائل بهره‌وری به خودی خود حل نمی‌شود بلکه نیازمند زمینه‌های نهادی و سازمانی است. یافتن زمینه‌ها و ویژگی‌های نهادی مورد نیاز برای دستیابی به بهره‌وری قابل حصول دنیای صنعتی نیز نیازمند چارچوب نظری است که هدف از این مطالعه ارائه مقدماتی این چارچوب با استفاده از نظریات نهادگرایان (جدید) است. بدیهی است تبیین نهادی کامل و مشخص نیازمند انجام پژوهش‌های مفصل در این حوزه و تجمیع آن‌هاست که از توان این مقاله خارج است.

درآمدی بر تبيين نهادی علل پایین بودن بهره‌وری در اقتصاد ایران ۵۹

جدول (۱): شاغلین کل کشور بر اساس وضع شغلی و سطح سواد ۱۳۵۵-۱۳۸۵ (نفر و درصد)

عنوان - سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
کل شاغلین	۸۷۹۹۴۲۰	۱۱۰۳۵۹۶۲	۱۴۵۷۱۵۷۲	۲۰۴۷۶۳۴۳
درصد شاغلین بی سواد	۵۹.۳۱	۴۰.۳۳	۲۱.۴۴	۱۲.۱۸
درصد شاغلین با سواد	۴۰.۶۹	۵۹.۶۳	۷۸.۵۶	۸۷.۸۲
درصد شاغلین دارای تحصیلات عالی	۳.۰۵	۴.۵۱	۹.۶۳	۱۶.۱۹
درصد شاغلین بخش خصوصی از کل شاغلین	۸۰.۹۹	۶۴.۴۹	۶۷.۲۱	۷۳.۵۷
درصد شاغلین با سواد بخش خصوصی	---	۴۵.۷۱	۷۱.۰۹	۸۴.۶۶
درصد شاغلین دارای تحصیلات عالی بخش خصوصی	---	۰.۹۷	۲.۲۴	۷.۲۸

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵

جدول (۲): مقایسه میانگین رشد بهره‌وری نیروی کار در ایران با کشورهای عضو APO، اتحادیه اروپا و آمریکا طی دوره ۱۹۷۱-۲۰۰۶

کشور	بنگلادش	کامبوج	چین	فیجی	هنگ کنگ	هند
میانگین دوره	1.81	3.96	6.90	0.43	3.43	2.39
کشور	مالزی	مغولستان	نپال	پاکستان	فیلیپین	سنگاپور
میانگین دوره	3.03	4.08	1.51	2.25	0.87	3.65
کشور	اندونزی	ایران	ژاپن	کره جنوبی	لائوس	سریلانکا
میانگین دوره	3.38	0.22	2.47	4.33	5.76	3.25
کشور	تایلند	ویتنام	آمریکا	اتحادیه اروپا	APO	کل
میانگین دوره	4.22	5.23	1.36	1.34	2.48	2.22

منبع: محاسبه بر اساس APO 123-122, 2009

جدول (۳): منابع رشد در مناطق مختلف ۱۹۶۰-۲۰۰۰ (درصد)

مناطق	دوره	ستانده هر کارگر	کمک هر عامل به رشد ستانده هر کارگر			سهم بهره‌وری
			سرمایه فیزیکی	سرمایه انسانی	بهره‌وری	
ایران	1960-1970	3.5	1.2	0.3	1.9	54.3
	1970-1980	1.9	1.1	0.5	0.3	15.8
	1980-1990	1.8	0.8	0.3	0.8	44.4
	1990-2000	1.9	0.9	0.3	0.8	42.1
	میانگین دوره	2.3	1.0	0.4	1.0	39.2

کشورهای صنعتی	1960-1970	3.9	1.3	0.3	2.2	56.4
	1970-1980	1.7	0.9	0.5	0.3	17.6
	1980-1990	1.8	0.7	0.2	0.9	50.0
	1990-2000	1.5	0.8	0.2	0.5	33.3
	میانگین دوره	2.2	0.9	0.3	1.0	39.3
چین	1960-1970	0.9	0	0.3	0.5	55.6
	1970-1980	2.8	1.6	0.4	0.7	25.0
	1980-1990	6.8	2.1	0.4	4.2	61.8
	1990-2000	8.8	3.2	0.3	5.1	58.0
	میانگین دوره	4.8	1.7	0.4	2.6	50.1
آسیای جنوب شرقی به جز چین	1960-1970	3.7	1.7	0.4	1.5	40.5
	1970-1980	4.3	2.7	0.6	0.9	20.9
	1980-1990	4.4	2.4	0.6	1.3	29.5
	1990-2000	3.4	2.3	0.5	0.5	14.7
	میانگین دوره	4.0	2.3	0.5	1.1	26.4
آمریکای لاتین	1960-1970	2.8	0.8	0.3	1.6	57.1
	1970-1980	2.7	1.2	0.3	1.1	40.7
	1980-1990	-1.8	0	0.5	-2.3	منفی
	1990-2000	0.9	0.2	0.3	0.4	44.4
	میانگین دوره	1.2	0.6	0.4	0.2	47.4
جنوب آسیا	1960-1970	2.2	1.2	0.3	0.7	31.8
	1970-1980	0.7	0.6	0.3	-0.2	منفی
	1980-1990	3.7	1	0.4	2.2	59.5
	1990-2000	2.8	1.2	0.4	1.2	42.9
	میانگین دوره	2.4	1.0	0.4	1.0	44.7
خاورمیانه	1960-1970	4.5	1.5	0.3	2.6	57.8
	1970-1980	1.9	2.1	0.5	-0.6	منفی
	1980-1990	1.1	0.6	0.5	0.1	9.1
	1990-2000	0.8	0.3	0.5	0	0.0
	میانگین دوره	2.1	1.1	0.5	0.5	22.3
ایران*	1976-2000	-1,2	NA	NA	-1.2	منفی

منبع: تلخیص و محاسبه بر اساس table1 Rodrik 2007, 972.
 *: آمار اقتصاد ایران بر اساس جدول (۳ و ۲) محاسبه شده است.
 NA: موجود نیست.

جدول (۴): شاخص‌های بهره‌وری، GDP و سرمایه سرانه در اقتصاد ایران طی سال‌های منتخب*

دوره (۱۳۵۵-۱۳۸۶) به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

سال	شاخص بهره‌وری نیروی کار	شاخص بهره‌وری سرمایه	شاخص بهره‌وری کل عوامل	GDP به ازای هر کارگر (هزار ریال)	سرمایه سرانه (هزار ریال به ازای هر کارگر)	موجودی سرمایه (میلیارد ریال)
۱۳۵۵	۱۰۵.۰۲	۱۱۷.۵۵	۱۱۲.۹۷	۲۷۵۳۹	۶۵۲۹۹	۵۷۴.۵۹۶
۱۳۵۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۶۱۳۷	۷۲۹۱۵	۶۶۰.۱۶۴
۱۳۵۷	۸۷.۹۲	۷۹.۲۲	۸۴.۳۳	۲۳۷۲۷	۷۸۰۹۲	۷۲۱.۴۲۴
۱۳۵۸	۷۹.۷۲	۷۰.۹	۷۶.۰۷	۲۱۹۸۶	۷۸۸۰۱	۷۵۲.۳۷۵
۱۳۶۷	۶۶.۹۳	۱۰۲.۵	۷۹.۳۷	۱۵۵۶۳	۷۰۵۳۰	۸۱۹.۴۷۳
۱۳۶۸	۶۸.۱	۱۰۱.۳۹	۷۹.۸۵	۱۶۰۵۵	۶۹۳۹۵	۸۲۷.۷۲۳
۱۳۷۲	۸۰.۴۳	۹۹.۹۶	۸۷.۷۴	۱۹۰۷۱	۶۸۲۹۸	۹۲۶.۱۲۸
۱۳۷۳	۷۹.۸۹	۹۴.۱۱	۸۵.۳	۱۸۶۷۹	۶۷۸۶۱	۹۴۴.۱۴۳
۱۳۷۴	۷۹.۹۸	۹۰.۳۶	۸۳.۹۸	۱۸۶۳۹	۶۶۸۷۸	۹۵۹.۹۲۸
۱۳۷۸	۸۱.۹	۷۶.۸	۷۹.۸	۱۹۰۵۲	۶۹۷۴۸	۱.۱۱۶.۳۵۵
۱۳۷۹	۸۳.۷	۷۵.۴	۸۰.۳	۱۹۴۶۴	۷۰۶۷۰	۱.۱۶۲.۱۳۹
۱۳۸۰	۸۵.۸	۷۴.۰	۸۰.۸	۱۹۵۷۹	۷۲۲۰۰	۱.۲۱۹.۰۳۲
۱۳۸۱	۸۸.۳	۷۲.۷	۸۱.۷	۲۰۳۲۷	۷۳۲۲۷	۱.۲۸۸.۵۱۱
۱۳۸۲	۹۰.۸	۷۳.۲	۸۲.۹	۲۱۰۸۷	۷۴۸۶۶	۱.۳۶۹.۰۸۷
۱۳۸۳	۹۲.۱	۷۲.۵	۸۲.۸	۲۱۷۰۱	۷۷۰۰۹	۱.۴۵۶.۵۰۳
۱۳۸۴	۹۴.۰	۷۲.۲	۸۳.۴	۲۲۳۷۸	۷۹۱۱۸	۱.۵۵۱.۷۴۸
۱۳۸۵	۹۶.۰	۷۲.۷	۸۴.۴	۲۲۸۲۵	۸۰۳۸۴	۱.۶۴۵.۹۷۳
۱۳۸۶	۹۸.۷	۷۳.۳	۸۶.۱	۲۳۴۵۵	۸۲۰۳۳	۱.۷۴۵.۴۸۹

منبع: استخراج و محاسبه بر اساس: ۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳، ص ۸۴، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴، ص ۷۶۷، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۸۶، ص ۵۵۴، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۸۷، ص ۴۷۸، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۸۸، ص ۳۹۵، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.

x: سال‌هایی که آمار بهره‌وری در گزارش‌های دولتی منتشر شده و در دسترس بوده یا از طریق آمارهای موجود قابل استخراج بوده است.

همچنان که جدول (۴) نشان می‌دهد، شاخص‌های بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و کل عوامل از ۱۰۰ واحد در سال ۱۳۵۶ به ترتیب به ۷۲/۷، ۹۶ و ۸۴/۴ واحد در سال ۸۵ کاهش یافته‌اند. در صورتی که طی همین دوره سرمایه سرانه به قیمت ثابت سال ۷۶ از ۷۳ میلیون ریال در سال ۵۶ به ۸۲ میلیون ریال افزایش یافته است. وضعیت سرمایه انسانی نیز طی دوره مورد بررسی بهبود یافته است به طوری که درصد شاغلین دارای تحصیلات عالی از کل شاغلین کشور از ۳

درصد در سال ۵۵ به ۱۶/۲ درصد در سال ۸۵ بهبود یافته است. درصد شاغلین باسواد نیز از حدود ۴۱ درصد در سال ۵۵ با بهبود صد درصدی به ۸۸ درصد کل شاغلین در سال ۸۵ افزایش یافته است (جدول ۱). این آمار و ارقام را وقتی کنار بهبودهایی که در فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات طی ۳۱ ساله مورد مطالعه اتفاق افتاده می‌گذاریم، به این تناقض می‌رسیم که چرا به‌رغم آنچه از این بهبودها انتظار می‌رود، بهره‌وری اقتصاد ملی افزایش نیافته است. به نظر می‌رسد، متغیرهایی غیر از عوامل مرسوم تولید (سرمایه، مهارت، نیروی کار و...) در ایجاد چنین وضعیتی تعیین‌کننده هستند. این متغیرها، متغیرهای نهادی هستند که در این مطالعه چارچوبی برای مطالعه آن‌ها ارائه می‌شود.

۳- بهره‌وری در اقتصاد نئوکلاسیک

بهره‌وری، اولین بار توسط سولو با معرفی پیشرفت فنی به مدل‌های رشد وارد شد (Solow, 1957). سولو پایه‌های نظری ارتباط بین تابع تولید و بهره‌وری را بیان نمود (Solow, 1956). او با فرض تابع تولید با پارامتر انتقال خنثی هیکسی^۱ و بازگشت به مقیاس ثابت $Q_t = A_t F(L_t, K_t)$ و فروض بازار رقابتی، تفاضل بین حاصل ضرب رشد عوامل تولید در کشش آن‌ها با رشد تولید را رشد پارامتر کارایی هیکسی نامید در صورتی که در عمل این عدد همچنانکه آبراموویتز^۲ (۱۹۵۶) می‌گوید «مقیاس بی‌اطلاعی»^۳ ماست. روش‌های اولیه محاسبه بهره‌وری مبتنی بر مدل سولو، رشد بهره‌وری را برآورد می‌کردند و کمتر برای مقایسه‌های بین‌کشوری مناسب بودند. به همین دلیل در سال ۱۹۷۸ جورگنسون و نیشیمیزو^۴ (۱۹۷۸) روشی را ابداع کردند که از طریق آن سطح TFP برآورد می‌شد و تفاوت بهره‌وری بین کشورها را بهتر به نمایش می‌گذاشت.

۳-۱- بهره‌وری در مدل‌های رشد جدید

تمامی مدل‌های رشد قدیم، بر مبنای دو فرض رقابت کامل در بازارهای عوامل و محصول و بازگشت به مقیاس ثابت برای تابع تولید، بهره‌وری را برآورد می‌کردند در صورتی که مدل‌های رشد جدید دو فرض پیش‌گفته را نمی‌پذیرند. علاوه بر آن نوآوری را درونزا در نظر می‌گیرند (Hulten, 2001: 22). کاهش بهره‌وری دهه ۱۹۶۰ در کشورهای صنعتی و عدم توانایی تبیین آن توسط مدل‌های نئوکلاسیک باعث توجه به مدل‌های جدید رشد برای محاسبه و تحلیل بهره‌وری

1. Hicksian neutral shift parameter
2. Abramovitz
3. Measure of our ignorance
4. Jorgenson and Nishimizu

درآمدی بر تبیین نهادی علل پایین بودن بهره‌وری در اقتصاد ایران ۶۳

شد. تئوری رشد جدید که رومر^۱ (۱۹۸۶) و لوکاس^۲ (۱۹۸۸) پایه‌گذاران آن بودند، مفهوم سرمایه را به سرمایه انسانی و دانش، گسترش دادند تا نوآوری را درونزا کنند.

۲-۳- فرضیات مبنایی مدل‌های رشد

از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که بهره‌وری کل عوامل تولید از طریق تابع تولید به مدل‌های رشد اقتصاد کلان وارد می‌شود. بنابراین هرگونه تبیینی از بهره‌وری در اقتصاد کلان نیازمند شناخت پیش‌فرض‌های حاکم بر مدل‌های رشد و توابع تولید است.

۱-۲-۳- فروض مدل‌های رشد

تمامی مدل‌های رشد وجود شرایط زیر را که اصول اقتصادی مرتبه اول نامیده می‌شوند به عنوان پیش‌فرض تلقی کرده و داده شده در نظر می‌گیرند (Rodrik, 2007: 973).

۱- حمایت از حقوق مالکیت: به نحوی که سرمایه‌گذاران فعلی و بالقوه را نسبت به دریافت بازدهی سرمایه‌ها مطمئن نماید؛

۲- تضمین اجرای کامل قراردادها: یعنی وجود یک دولت قدرتمند که اجرای قراردادها را تضمین نماید؛

۳- رقابت بازاری: به منظور ایجاد انگیزه تولید با حداکثر کارایی؛

۴- انگیزه‌های مناسب: یعنی هم‌راستا بودن انگیزه‌های تولیدکنندگان با هزینه‌ها و منافع اجتماعی؛

۵- پول سالم^۳: تناسب خلق نقدینگی با تقاضای اسمی پول به نحوی باشد که نرخ تورم از حد معمول بالاتر نرود؛

۶- قابلیت دوام بدهی^۴: که باعث ایجاد اعتماد عمومی می‌شود.

بدیهی است که ایجاد شرایط فوق نیازمند وجود نهادهای مناسب می‌باشد که در دنیای واقع خصوصاً کشورهای فقیر چنین نهادهایی کمتر دیده می‌شوند. به عبارت دیگر، استفاده از تحلیل‌های اقتصاد نئوکلاسیک برای بررسی دلایل پایین بودن بهره‌وری کل عوامل در ایران، با مشکل روش شناختی غفلت از شرایط اولیه روبرو می‌باشد.

۲-۲-۳- فرضیات توابع تولید

تابع تولید حداکثر مقدار تولید امکان‌پذیر با استفاده از مقادیر مشخص از عوامل تولید را نشان می‌دهد (فرگوسن و گلد، ۱۹۸۰: ۱۶۰). در این تعریف بنگاه به منزله جعبه سیاهی دیده می‌شود که ورودی آن عوامل

1. Romer
2. Lucas
3. Sound Money
4. Debt Sustainability

تولید و خروجی آن محصولات تولید شده است (Mas-Colell, Whinston and Green, 1995: 127). فرض بر آن است که با وجود برقراری شرایط رقابتی و کمیابی منابع، اطلاعات در دسترس بنگاه‌ها به اندازه‌ای کامل و بدون هزینه است که بتوانند بهترین ترکیبات عوامل تولید را بر اساس قیمت‌های موجود بازار انتخاب و به کار بگیرند. به عبارت دیگر اقتصاد نئوکلاسیک با مفروض گرفتن رقابت، کمیابی، اطلاعات کامل و هزینه مبادله صفر معتقد است بنگاه‌ها، عوامل تولید را به شکل بهینه مورد استفاده قرار می‌دهند. به بیان دیگر تمامی بنگاه‌ها موفق عمل می‌کنند. این دیدگاه نئوکلاسیک، واجد محدودیت‌هایی است که قدرت تبیین‌کنندگی آن را پایین می‌آورد: اولاً، در دنیای واقعی هزینه‌های مبادله صفر نیست و صفر فرض کردن آن یک خلاء تئوریک در نظریات نئوکلاسیک ایجاد می‌کند. ثانیاً، حتی در صورت صفر شدن هزینه‌های مبادله، نظریه نئوکلاسیک فقط تداوم فعالیت بنگاه‌های (و اقتصادهای^۱) موفق را تبیین می‌کند و توان تبیین تداوم فعالیت بنگاه‌ها و اقتصادهای ناموفق را ندارد. بر اساس چارچوب نظری این دیدگاه، اصولاً بنگاه ناموفق (یا اقتصاد ناموفق) در دنیای واقع وجود خارجی ندارد. یعنی فرآیند رقابت، خود به خود بنگاه‌های ناکارا را از بازار خارج می‌کند و تنها بنگاه‌هایی که با حداکثر بهره‌وری فعالیت می‌کنند باقی می‌مانند. این در حالی است که در دنیای واقع می‌بینیم بنگاه‌های بسیاری وجود دارند که ضمن ناکارا عمل کردن، باز در عرصه اقتصاد فعالیت آن‌ها تداوم دارد و برای مدت‌های طولانی با بهره‌وری پایین و یا حتی بهره‌وری منفی فعالیت می‌کنند (بانک جهانی، بی تا: ۱۹۳). بنابراین چارچوب نظری نئوکلاسیک قدرت تبیین چنین وضعیت‌هایی را ندارد.

۴- تحلیل نهادی مسئله بهره‌وری

سازگاری نظریه‌ها و روش شناخت اقتصاد نهادی با مسائل کشورهای جهان سوم سبب شده که اقتصاددانان و مجامع دانشگاهی در تجزیه و تحلیل مسائل کشورهای در حال توسعه بیشتر از دیدگاه‌ها و رویکرد اقتصاد نهادی استفاده کنند به طوری که امروزه رویکرد نهادی به مطالعه توسعه، بر اقتصاد توسعه جریان اصلی تسلط دارد (Evans, 2008: 68). در چارچوب این مکتب، نهادها (به جای انباشت سرمایه و پیشرفت فنی) به عنوان متغیرهای توضیح‌دهنده مدل‌های توسعه ایفای نقش می‌کنند (Bardhan, 2005) و توسعه عبارت است از فرآیند تغییرات سازمانی (Hoff and Stiglitz, 2001: 389).

می‌یر چنین جمع‌بندی می‌کند که «اقتصاددانان توسعه در دهه ۱۹۷۰ به کشورهای در حال توسعه، اصلاح قیمت‌ها را توصیه می‌کردند (Meier, 2005: 183). سپس در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰

۱. بر اساس فرض جمع‌پذیری اقتصاد کلان، حاصل جمع تک تک بنگاه‌هاست.

می‌گفتند که سیاست‌های کلان را درست کنید، در حال حاضر آن‌ها اصلاح نهادها را تجویز می‌کنند». بنابراین در چارچوب این دیدگاه مسائل بهره‌وری به خودی خود حل نمی‌شود بلکه نیازمند زمینه‌های نهادی و سازمانی است. یافتن زمینه‌ها و ویژگی‌های نهادی مورد نیاز برای دستیابی به بهره‌وری قابل حصول دنیای صنعتی نیز نیازمند چارچوب نظری است که هدف از این مطالعه ارائه این چارچوب با استفاده از نظریات نورث است.

از نظر نورث رشد اقتصادی زمانی حاصل می‌شود که ستانده اقتصادی رشد کند. برای رشد ستانده اقتصادی یا باید نهادهایی چون زمین، نیروی کار، سرمایه و ... افزایش یابد و یا بهره‌وری این عوامل زیاد شود. در حالی که منابع رشد بهره‌وری به خوبی شناخته شده است (North, 2005) اما هنوز عملکرد بهره‌وری اغلب کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه بسیار ضعیف است. به اعتقاد نورث عملکرد بهره‌وری در یک اقتصاد تابعی است از نهادها و نوع تکنولوژی که در آن جامعه توسعه می‌یابد. ادبیات بهره‌وری و حسابداری رشد بر معنی‌داری موجودی سرمایه، تکنولوژی، R&D و پس انداز در نرخ رشد بهره‌وری متمرکز است (North, 1993: 1). ادبیات رشد جدید نیز همچنان که پیش‌تر گفته شد؛ بر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی و پس‌انداز تأکید می‌کند و تغییر در بهره‌وری را نتیجه تغییر در این عوامل می‌داند و از نقش نهادها غفلت می‌کند (North, 1994). نورث معتقد است که رشد اقتصادی تنها با خلق یک ساختار نهادی و سازمانی که فعالیت‌های بهبود دهنده بهره‌وری را القاء نماید، امکان‌پذیر می‌شود. تغییرات نهادی برای بهبود بهره‌وری نیز از دو جنبه قابل بررسی است (North, 1994: 2): طرف عرضه و طرف تقاضا که در ادامه به تشریح هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

۴-۱- طرف عرضه

یعنی خلق یک ساختار نهادی و سازماندهی که فعالیت‌های تسهیل‌گر بهره‌وری را تشویق نماید. تغییرات طرف عرضه با کاهش هزینه‌های مبادله و تبدیل موجب بهبود بهره‌وری می‌شود. هزینه‌های مبادله شامل هزینه‌های اندازه‌گیری ویژگی‌های مادی و صفات حقوقی مورد مبادله، هزینه‌های تضمین و اجرای قراردادها و تخفیف عدم اطمینان^۱ که نشانگر میزان کاستی‌های سنجش و اجرای شرایط مبادله است. هزینه‌های تبدیل؛ هزینه تولید فیزیکی هستند و به دانش فنی‌ای که در تولید بکار می‌بریم بستگی دارد (نورث، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۹). هزینه‌های تولید از جمع هزینه‌های مبادله و تبدیل به دست می‌آید. نهادهایی که هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهند، آن‌هایی هستند که طرفین مبادله را قادر می‌سازند ویژگی‌های چندگانه و با ارزش کالا یا خدمت مورد مبادله یا عملکرد

1. Uncertainty Discount

کارگزارها را تعریف نمایند یا اینکه توافقات را در یک هزینه پایین‌تر تضمین نمایند. نهادهایی که هزینه‌های تبدیل را کاهش می‌دهند، نیز شامل آن‌هایی هستند که امکان معرفی و بکارگیری تکنولوژی پیشرفته را فراهم می‌کنند (North, 1994: 2). نورث نوآوری‌های نهادی که باعث کاهش هزینه‌های مبادله شده‌اند را در چهار گروه تقسیم‌بندی می‌کند (North, 1994).

۱- آن‌هایی که تحرک سرمایه را افزایش می‌دهند مانند انواع خدمات بانکی و نقل و انتقالات پولی بین طرفین مبادله. هر چه این نوع خدمات متنوع‌تر و در دسترس‌تر باشند هزینه‌های مبادله کمتر می‌شود.

در گزارش رقابت‌پذیری جهانی چهار متغیر هزینه استفاده از خدمات مالی، در دسترس بودن خدمات مالی، در دسترس بودن منابع مالی برای سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز کارآفرینان و سهولت دسترسی به وام‌ها وجود دارد که می‌توانند تا حدود زیادی میزان سهولت تحرک سرمایه را در یک اقتصاد به تصویر بکشند. ایران در این معیارها در بین ۱۳۹ کشور دنیا در رتبه‌های آخر (بین ۱۲۹ تا ۱۳۳) قرار دارد (جنتی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۲). این وضعیت حاکی از ضعف تحرک سرمایه در کشور است.

۲- آن‌هایی که هزینه‌های کسب اطلاعات را کاهش می‌دهند مانند انواع روش‌های اطلاع‌رسانی از قیمت‌های بازار و کیفیات کالاها و خدمات. کاهش این نوع هزینه‌ها مستلزم شفافیت در ارائه اطلاعات است. شفافیت در ارائه اطلاعات هم نیازمند وجود نهادهای رسمی و غیررسمی (پشتوانه فرهنگی) است که هر دو نوع این نهادها در ایران فاقد ویژگی‌های لازم هستند. به عنوان مثال اولین قانون (نهاد رسمی) مرتبط با شفافیت اطلاعاتی در بهمن ۱۳۸۷ در قالب ۲۳ ماده و ۷ تبصره از تصویب مجلس گذشت. اما به دلیل فقدان پشتوانه نهادی غیررسمی پس از گذشت بیش از دو سال و نیم از تاریخ تصویب، هنوز آیین‌نامه اجرایی آن تهیه نشده است. شاهد این مدعا، طولانی شدن مدت زمان بررسی و تصویب این قانون نسبت به سایر قوانین است. لایحه این قانون در مردادماه ۸۴ به مجلس ارسال شده بود اما به دلیل عدم اولویت تصویب چنین قوانینی، فرایند تصویب آن بیش از سه سال طول کشید. منظور از پشتوانه نهادی غیررسمی، وجود فرهنگ شفافیت در اکثریت افراد جامعه و در نتیجه وجود تقاضا برای شفافیت اطلاعاتی از طرف اکثریت افراد جامعه است. قطعاً اگر چنین تقاضایی وجود داشته باشد، باید در سلايق نمایندگان مردم (مجلس) عینیت یابد که در این صورت نباید چنین لوایحی این مدت زمان طولانی منتظر تصویب باشد.

۳- آن‌هایی که عدم اطمینان را به ریسک تبدیل و ریسک را توزیع می‌کنند مانند تنوع بخشیدن به سبد دارایی و بیمه‌ها یا نهادهایی که امکان سرمایه‌گذاری مشترک تعداد زیادی از افراد را در فعالیت‌های ریسکی فراهم می‌کنند. هر چند دولت‌ها با طراحی قوانین و مقررات

نهادهای لازم برای تبدیل ریسک به عدم اطمینان را ایجاد می‌نمایند اما در صورتی که قدرت دولت با پیش‌بینی قوانین و مقررات لازم محدود نشود، می‌تواند منشأ ایجاد ناطمینانی گردد (همان، ۵).

عملکرد نهادهای کاهش دهنده ریسک و عدم اطمینان در تصویری که مؤسسات بین‌المللی از میزان ریسک اقتصاد ایران ترسیم می‌کنند، قابل مشاهده است بر اساس آخرین گزارش موسسه بین‌المللی راهنمای ریسک کشورها، در ژانویه ۲۰۱۱، ایران به لحاظ میزان ریسک، در بین ۱۴۰ کشور دنیا در رتبه ۸۰ در ردیف مغولستان و پس از ویتنام و اندونزی قرار دارد (جدول ۵). شاخص ریسک محاسبه شده توسط این مؤسسه، ترکیبی از ریسک‌های اقتصادی سیاسی و مالی است. از آنجا که به دلیل وجود درآمدهای نفتی، شاخص ریسک اقتصادی و مالی در ایران وضعیت مناسبی دارد. عمده‌ترین علت بالا بودن ریسک، وجود ریسک بالای سیاسی است.

جدول (۵): مقایسه رتبه ریسک بین‌المللی ایران با چند کشور منتخب در سال ۲۰۱۱

ریسک کلی	ریسک اقتصادی	ریسک سیاسی	ریسک مالی	
۸۰	۴۶	۱۲۳	۷	ایران
۷۸	۴۳	۹۷	۶۵	اندونزی
۸۱	۱۰۶	۵۹	۱۰۱	مغولستان
۱	۷	۳	۹	نروژ
۲	۳	۱۰	۱۹	سنگاپور
۱۳	۵	۲۶	۵۴	امارات متحده عربی

منبع: www.prsgroup.com available at 5/2/2012

۴- آن‌هایی که اجراء قراردادها را تضمین می‌کنند. اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی. نهادهای غیررسمی مانند سازوکار کسب و نگهداری شهرت تجاری یک بنگاه که باعث می‌شود بنگاه برای حفظ بازار خود به تعهداتش پایبند باشد. نهادهای رسمی شامل انواع قوانین و مقرراتی که از جانب دولت‌ها برای تضمین اجرای قراردادها تنظیم و به اجرا گذاشته می‌شوند. به عبارت دیگر ترکیبی از ضمانت‌های اجرایی داوطلبانه بین طرفین مبادله و ضمانت‌های اجباری دولتی برای تضمین اجرای قراردادها لازم است و هیچ‌کدام به تنهایی کافی نیست (همان، ۴).

از محدود مطالعات میدانی داخلی که می‌توان برخی مؤلفه‌های نهادی را از آن استنتاج نمود، پیمایش‌هایی است که در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کشور انجام شده است. یکی از گویه‌های این پیمایش می‌تواند تا حدودی نمایانگر وضعیت حقوق مالکیت از نگاه افراد جامعه باشد. در سال ۸۰، این سؤال پرسیده شده است که، در اوضاع فعلی اگر حقوقی از کسی

ضایع شود از طریق قانونی می‌تواند به حق خود برسد. ۳۱ درصد از افراد جامعه پاسخ منفی داده‌اند و ۴۹ درصد پاسخ مثبت داده‌اند. در سال ۸۲ امکان رسیدن به حق خود در صورت ضایع شدن آن‌ها مورد سؤال قرار گرفته است که ۸۴ درصد از پاسخ‌دهندگان، کم و تا حدودی ارزیابی کرده‌اند و تنها ۱۵ درصد زیاد ارزیابی نموده‌اند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ۱۲۰-۱۰۵ و ۱۳۸۲: ۹۹-۹۷).

۴-۲- طرف تقاضا

عرضه نهادهای کاهش‌دهنده هزینه‌های تبدیل و مبادله برای کشورهای جهان سوم به دلیل فاصله زیادی که با داشته‌های کشورهای پیشرفته دارند، را می‌توان تا حدودی داده‌شده فرض نمود (Mjoset, 1992:29). یعنی می‌توان سخت‌افزار بسیاری از فن‌آوری‌های مدرن را وارد کرد یا نهادهای آن‌ها را تقلید نمود و به آخرین یافته‌های علمی دسترسی پیدا کرد اما تطبیق آن‌ها با نهادهای موجود در کشور مستلزم وجود تقاضا برای پذیرش این فن‌آوری‌ها و نهادهاست. به عبارت دیگر، وجود تقاضا در جامعه، شرط لازم (و نه کافی) برای داخلی کردن^۱ دانش فنی وارداتی است. یعنی می‌توان بسیاری از تکنولوژی‌های مدرن را وارد کرد یا نهادهای آن‌ها را تقلید نمود و به آخرین یافته‌های علمی دسترسی پیدا کرد. بنابراین علت پایین بودن بهره‌وری را عمدتاً باید در تقاضا جستجو کرد. سؤال اصلی این است که چرا در کشورهای جهان سوم از جمله ایران تقاضا برای نهادهای تسهیل‌گر بهره‌وری نهادینه نمی‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته فعلی این تحولات تحت تأثیر تحولات تکنولوژیک به مرور اتفاق افتاده است بدین صورت که تغییرات القاء شده از طرف عرضه در سازماندهی و تکنولوژی، هزینه‌ها و منافع درک‌شده افراد و گروه‌ها را در طول تاریخ تغییر داد و واکنش‌هایی را از طریق عمل گروهی یا فرآیندهای سیاسی ایجاد کرد که متوالیاً بهره‌وری اقتصاد را متأثر نمود. از تضاد قدیمی گروه‌ها با تغییر تکنولوژی تا تغییرات محیطی نوین محرک طرف تقاضا نقش اصلی در تأثیرگذاری بر بهره‌وری را ایفا کرده‌اند (North, 1994).

تحولات طرف تقاضا در دو سطح اتفاق می‌افتد: تغییر نهادهای غیررسمی و تغییر نهادهای رسمی. تغییر نهادهای غیررسمی یعنی تغییر در درک افراد و گروه‌ها از منافع و هزینه‌های اصلاحات نهادی طرف عرضه که زمینه را برای تغییر نهادهای رسمی فراهم می‌نماید. به عنوان مثال تأکید نهاد مذهب بر لزوم رعایت حقوق مالکیت و پابندی به قراردادهای نقش مهمی در ایجاد نهاد حقوق مالکیت و کاهش هزینه‌های مبادله دارد. این تغییرات در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته (جهان اول) به صورت خودبه‌خودی و با گذشت زمان طولانی اتفاق افتاده است. اما برخی از

1- Internalize

کشورها (از جمله کره جنوبی و مالزی) با استفاده از تجربیات کشورهای توسعه یافته به صورت آگاهانه این تقاضا را در افراد جامعه ایجاد کردند. به عبارت دیگر در این کشورها تغییرات مورد نیاز برای بهبود بهره‌وری ابتدا از نهادهای رسمی شروع شد. تغییرات در نهادهای رسمی شامل تغییر در قوانین مادر و اساسی، قوانین موضوعه، تصویب نامه‌ها، آیین نامه‌ها، رویه‌های اجرایی و قراردادهاست. تفاوت نهادهای رسمی با نهادهای غیررسمی از حیث نوع و میزان ضمانت اجرایی محدودیت تحمیل شده از طریق آن نهاد است. نورث سه منشاء را برای ضمانت اجرایی از همدیگر تفکیک می‌کند: الف - نظامنامه‌های اخلاقی که افراد را به رعایت آنچه تعهد کرده‌اند ملزم می‌کند (ضمانت اجرایی طرف اول)؛ ب - ترس از عمل متقابل طرف دوم که باعث می‌شود طرفین قرارداد به تعهدات خود عمل کنند (ضمانت اجرایی طرف دوم)؛ ج - ضمانت‌های اجتماعی، مثلاً طرد شدن از طرف جامعه و در نهایت اجراء اجباری از طرف دولت (ضمانت اجرایی طرف سوم). الزامات اجرایی نهادهای رسمی عمدتاً از نوع سوم است و توسط دولت اجرای آن‌ها تضمین می‌شود در صورتی که نهادهای غیررسمی الزام اجرایی دولتی ندارند. ضمانت اجرایی قوانین رسمی علاوه بر نحوه اجرا به سلسله مراتب قوانین نیز بستگی دارد. در صدر این سلسله مراتب، قانون اساسی قرار دارد که در آن نحوه تصویب قوانین موضوعه و جاری تعریف می‌شود. معمولاً هزینه تغییر این گونه قوانین بسیار بالاست به همین دلیل کمتر دستخوش تغییر و تحول قرار می‌گیرند. قوانین موضوعه، در ردیف بعدی قرار می‌گیرند. این قوانین مجموعه حقوق افراد و گروه‌ها و در نتیجه سازوکار انگیزشی جامعه را تعیین می‌کنند. سایر قوانین و مقررات در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. بنابراین یکی از مهم‌ترین نهادهای رسمی، قوانین مربوط به تعیین ساختارهایی است که حوزه قانون‌گذاری (سیاسی) را تعیین می‌کنند. یعنی تعیین می‌کند که چه کسی (کسانی) حق قانون‌گذاری دارند و چگونه انتخاب می‌شوند. چرا که این حوزه قوانین اقتصادی و نحوه نظارت بر اجراء آن‌ها (ضمانت اجرایی) را تعریف می‌کند.

شکل جدید ساختار پیچیده و بهم پیوسته اقتصادهای سیاسی نوین، در طول زمان استنتاج شده است و معمولاً بدون برنامه‌ریزی ارادی بوده است. در نتیجه ما درک ناقصی از ساختاری که برای عملکرد خوب، ضروری است، داریم. اما همین که برای بهبود عملکرد اقتصادهای ضعیف تلاش می‌کنیم، به پیچیدگی مسائل منتج از این وابستگی‌های متقابل آگاهی بیشتری می‌یابیم. تجمیع دانش پراکنده که پیش‌نیاز خلق این گونه نهادهاست به چیزی بیش از نظام قیمت‌ها نیازمند است. چرا که تخصصی شدن نوین نوع خاصی از هزینه مبادله را معرفی می‌کند. هزینه مبادله مربوط به تعیین معیار و ویژگی‌های عملکرد کالاها و خدماتیست که با دانش تخصصی شخص بیگانه است. اما یک الزام حیاتی است برای اینکه بتوانیم به صورت کارایی، دانش پراکنده شده را پیوند دهیم (North, 2005: 163).

اما چه روش حکومتی می‌تواند چنین نهادهایی را خلق کند؟ متأسفانه دانش بشر تا به امروز نتوانسته است روش حکومتی پیشنهاد دهد که قواعد اقتصادی با انگیزه‌های صحیح را خلق نماید. رودریک تصریح می‌کند که نمی‌توان یک مجموعه منحصر به فرد از نهادها را برای دستیابی به بهره‌وری دنیای صنعتی برای تمام کشورهای در حال توسعه پیشنهاد نمود بلکه مجموعه نهادهای مورد نیاز هر کشور باید بر اساس دانش محلی و ویژگی‌های زمانی و مکانی آن کشور طراحی شوند (Rodrik, 2007: 973). از آنجا که به قول آسم اوغلو و دیگران هیچ تضمینی وجود ندارد که تمام افراد و گروه‌ها یک مجموعه نهادی مشابه را ترجیح دهند و هر مجموعه نهادی نیز، منافع گروهی از افراد را تضمین می‌کند، بنابراین در انتخاب نهادهای اقتصادی تضاد منافع به وجود می‌آید (Acemoglu, Johnson and Robinson, 2007: 390). آسم اوغلو راه‌حل این تضادها را حاکمیت دموکراسی در عرصه سیاسی می‌داند. نظام سیاسی مشارکتی مؤثرترین سازوکار برای فرآوری و تجمیع دانش محلی به منظور طراحی چنین نهادهایی است. اصولاً دموکراسی از آن جهت مورد تأکید اقتصاددانان توسعه است که می‌تواند از طریق آن مجموعه نهادهای مناسب برای توسعه اقتصادی جامعه را کشف نمود (Rodrik, 2007: 1007). نورث نیز تأکید می‌کند که واقعیت سازوکار سیاسی - اقتصادی هرگز بر کسی روشن نیست، فقط انسان‌ها به زحمت گمان‌هایی در مورد ماهیت این واقعیات شکل می‌دهند - گمان‌هایی در مورد الگوهای تحقیقی^۱ که سیستم چگونه کار می‌کند و هم‌هنجاری^۲ یعنی چگونه باید کار کند (North, 2005: 2). بنابراین الگوی دموکراسی فعلی نیز برای استخراج نهادهای سیاسی - اقتصادی نباید به عنوان آخرین نسخه تلقی گردد. در دنیای پیچیده و دائماً نوظهور فعلی، اولاً نهادها باید ویژگی کارایی تطبیقی داشته باشند. بدین معنی که به محض بروز مشکل، جامعه، اقدام به اصلاح یا خلق نهادهای جدید نماید. ثانیاً، تطبیق با نااطمینانی‌های حاصل از دنیای دائماً در حال تغییر با تکیه بر تغییرات قیمت‌ها و سازوکار خودکار، به تنهایی کافی نیست و نیازمند دخالت دولت است (North, 2005: 163). این مهم برای کشورهای که در آن دولت‌ها مالک منابع رانتهی از جمله منابع طبیعی (مانند نفت و گاز) هستند، بیشتر مصداق می‌یابد. یعنی در این کشورها، دولت‌ها از طریق تغییر در نحوه توزیع رانت، ابتکار عمل بیشتری در تأثیرگذاری بر نهادهای غیررسمی در دست دارند. به عبارت دیگر منابع حاصل از رانت، قدرت بیشتری را برای اعمال تغییرات در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد که البته این قدرت مانند آگاهی انسان، شمشیر دو لبه است که هم می‌تواند در جهت اصلاح نهادی به سمت بهبود بهره‌وری مورد استفاده قرار گیرد و هم تخریب سازوکارهای انگیزشی و تغییر آن به سمت نهادهایی که مانع از بهبود

1. Positive
2. Normative

بهره‌وری می‌شوند. بامول^۱ (۱۹۹۰) با نظریه کارآفرینی مولد و غیر مولد خود به تبیین این موضوع می‌پردازد که چگونه محیط نهادی بر هدایت انگیزه‌های کارآفرینی به سمت نوآوری‌های بهبود دهنده بهره‌وری یا عکس آن تأثیر می‌گذارد. ساختارهای رانتی برای خلق فعالیت‌های کارآفرینانه غیرمولد، مستعدتر هستند. چرا که توزیع رانت^۲ خود یکی از ابزارهایی است که سازوکارهای انگیزشی را در جهت کسب منافع بیشتری از رانت هدایت می‌کند. نحوه توزیع رانت تعیین می‌کند که فعالیت‌های کارآفرینانه، مولد باشند یا غیرمولد. از آنجا که توزیع رانت در کشورهای در حال توسعه از جمله، ایران، در اختیار حوزه سیاسی است، بنابراین نقش ساختار سیاسی در ایجاد انگیزه‌های بهبود بهره‌وری در این کشورها دوچندان می‌شود.

بر اساس آنچه گفته شد چارچوب نظری برای تحلیل مسائل بهره‌وری را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:



نمودار ۱- مدل مفهومی برای شناخت موانع نهادی ارتقای بهره‌وری

۳-۴- چگونه نهادهای مناسب کشف می‌شوند؟

حال که مشخص شد چه تغییرات نهادی برای بهبود بهره‌وری الزامی است، سؤال بعدی آن است که این‌گونه تغییرات را چگونه اعمال کنیم. رودریک دو روش را برای کشف نهادهای مناسب ارائه می‌کند. منظور از نهادهای مناسب، نهادهایی است که انگیزه فعالیت‌های بهره‌ور را در اقتصاد فراهم می‌کنند. الف- روش انتقال تکنولوژی که روشی فرودنگر^۳ است. در این روش یک طرح از پیش تعیین شده که در کشورهای توسعه یافته آزمون شده است به اجرا گذاشته می‌شود. این نوع نهادسازی به کارشناسان و تکنوکرات‌ها و مشاوران خارجی متکی است.

1. Baumol

۲. برای مطالعه بیشتر به (Tullock, 1967) مراجعه شود.

3. Top down

ب- دیدگاه تجربه‌گرا که فرازنگر^۱ است و به دانش محلی متکی است. یعنی با توانمندسازی افراد جامعه و ایجاد سرمایه انسانی و توسعه آگاهی‌های اجتماعی در صدد خلق نهادهای مناسب است. بدیهی است هر دو سناریو کاریکاتوری بیش نیستند. بخش قابل توجهی از دانش لازم برای ایجاد نهادهای بهبود دهنده عملکرد اقتصادی و بهره‌وری، دانش ضمنی است و به سادگی قابل انتقال نیست و نیازمند تجمیع دانش محلی است. حتی اگر این دانش‌ها هم قابلیت انتقال پیدا کنند، تطبیق نهادهای قدیم با نهادهای جدید نیازمند فرهنگ سازی است. اتکاء صرف به دانش محلی نیز بدون توجه به تجربه دیگران راه چاره نیست. چرا که بسیاری از نهادهای موجود در کشورهای جهان سوم، مانع توسعه هستند اما به دلیل وجود پدیده وابستگی به مسیر تاریخی، به خودی خود و با تکیه صرف بر فرآیند رقابت، جایگزین نمی‌شوند. بنابراین نیاز است بخشی از دانش ایجاد نهادهای توسعه‌ای (بخش صریح دانش) را از کشورهای دیگر وارد نمود.

برای پاسخ به سؤالاتی از قبیل اینکه مردم چه نوع جامعه‌ای را می‌خواهند؟ و آیا در عالم واقع دستیابی به چنین جامعه‌ای امکان پذیر است یا نه؟ دانش محلی چاره‌ساز خواهد بود. بدین منظور نیازمند فرآیندی هستیم که نیازها و توانمندی‌های محلی از طریق آن کشف گردد. رودریک معتقد است که قابل اتکاءترین شکل چنین سازوکاری، نهادهای مشارکتی سیاسی هستند (Rodrik, 2006: 31). موارد کره جنوبی و چین جزء استثناءها هستند و قاعده محسوب نمی‌شوند. هر چند مانعی بر سر راه رژیم‌های استبدادی برای استفاده از دانش محلی وجود ندارد اما مسئله این است که دلیلی نیز وجود ندارد که آن‌ها مجبور به استفاده از این دانش محلی باشند.

در فرآیند کشف نهادهای مناسب نیز باید اصل تنوع نهادی را بپذیریم. به عبارت دیگر باید بپذیریم که نهادهای مناسب برای کارکرد صحیح اقتصاد بازار منحصر به فرد نیستند بلکه بسته به زمینه تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی کشورها متفاوتند. به عنوان مثال روش آمریکایی نظام سرمایه‌داری با روش ژاپنی متفاوت است و این دو نیز با شیوه اروپایی تفاوت دارند. حتی در اروپا نیز تفاوت‌های چشمگیری بین ترتیبات نهادی کشورهای عضو اتحادیه اروپا وجود دارد. مثلاً ساختار نهادی حاکم در سوئد با آلمان متفاوت است. حتی در یک کشور نیز در زمان‌های مختلف یک مجموعه نهادی منحصر به فرد نمی‌تواند بهره‌وری را تضمین نماید. نورث معتقد است اگر می‌خواهیم ساختارها خوب کار کنند دائماً باید با تغییرات پارامترهای اصلی تکنولوژی، اطلاعات و سرمایه انسانی تغییر یابد. در غیاب پیامدهای جانبی، اطلاعات ناقص و نامتقارن و سواری مجانی، می‌توانیم مواجهه نظام قیمت‌ها با تغییرات پیچیده اقتصادی را تصور کنیم. اما چنین خیالی بشر را با خصیصه رفتاری که به

1. Bottom up

صورت ناقصی در دنیای تصادفی غیرقابل پیش‌بینی^۱ درک شده است، تنها می‌گذارد. این خصایص شامل روشی است که انسان‌ها جهان متحول خود را تفسیر می‌کنند، به ویژه نسبت به کنش بین تغییرات اقتصادی و تغییرات در حکومت. همچنین نسبت به تغییرات در تکنولوژی نظامی که تعادل موجود بین بخش‌های جامعه را به هم می‌ریزد. در یک جهان تصادفی سیستماتیک^۲ ما نهایتاً نهادهای درست را تحصیل می‌کنیم، اما در دنیایی با تغییرات جدید و مداوم چنین تضمینی وجود ندارد. بهترین دستورالعمل برای مواجهه با چنین موقعیت‌های جدید تعبیه نهادهایی است که امکان کسب تجربه از آزمون و خطاها را فراهم کند. چنین ساختاری نه تنها متضمن تنوع سازمان‌ها و نهادهایی است که اجازه آزمون سیاست‌های آلترناتیو را فراهم می‌کند بلکه ابزارهایی برای حذف راه‌حل‌های ناموفق نیز تعبیه می‌کند. کارایی تطبیقی تنها بعد از یک مدت زمان نسبتاً طولانی تحول هنجارهای غیررسمی نمو می‌یابد و ما هیچ راه میان‌بری برای این فرآیند نمی‌شناسیم (North, 2005: Ch12). ویلیامسون (Williamson, 2000) نیز پس از اعتراف به ناقص بودن دانش بشر نسبت به نقش نهادها، به منظور تکمیل دانش در این حوزه، تکثرگرایی را توصیه می‌کند.

نتیجه‌گیری

۱- شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری میزان استفاده بهینه یک کشور از منابع در اختیار، یکی از مهم‌ترین منابع تأمین‌کننده رشد اقتصادی است و از این جهت بهبود آن در صدر اهداف هر کشوری قرار دارد.

۲- در حالی که بهره‌وری کل عوامل تولید در بسیاری از کشورهای دنیا نیمی از رشد اقتصادی را تأمین نموده است، در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۶ که آمار شاخص‌های بهره‌وری در دسترس بوده است، نه تنها TFP هیچ کمکی به رشد اقتصادی نکرده است بلکه اثر آن روی رشد حتی منفی نیز بوده است.

۳- کانال ورود بهره‌وری به مباحث اقتصاد کلان، الگوهای رشد نئوکلاسیک است که اولین بار توسط سولو فرمول‌بندی شد. بر اساس چارچوب نظری این مدل‌ها، افزایش سرمایه فیزیکی یا انسانی منجر به افزایش TFP می‌شود.

۴- در اقتصاد ایران به‌رغم افزایش سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، بهره‌وری کل عوامل تولید کاهش یافته است. توجه به پیش‌فرض‌های حاکم بر مدل‌های رشد (از جمله وجود نهادهای حقوق مالکیت و رقابت) و تابع تولید (با هزینه مبادله صفر) و مقایسه آن با شرایط

1. Non-ergodic
2. Ergodic

اقتصاد ایران، حاکی از آن است که این شرایط اولیه در اقتصاد ایران وجود ندارد یا به طور کامل برقرار نیست. بنابراین تبیین و توصیه‌های سیاستی حاصل از این مدل‌ها نیز نمی‌تواند با شرایط اقتصاد ایران سازگار باشد.

۵- با توجه به ویژگی‌های اقتصاد نهادگرا به نظر می‌رسد قدرت تبیینی این مکتب برای مسائل اقتصاد ایران از جمله مسئله بهره‌وری پایین بیش از اقتصاد نئوکلاسیک باشد.

۶- در بین نهادگرایان نیز دیدگاه‌های مختلفی در خصوص نقش نهادها در اقتصاد وجود دارد. که قدرت تبیینی آن‌ها بستگی به شرایط کشورها و ماهیت مسئله مورد بررسی دارد.

۷- در این مقاله از دیدگاه‌های نورث برای استخراج چارچوب نظری تحلیل مسائل بهره‌وری استفاده شده است. از نظر نورث تغییرات نهادی برای بهبود بهره‌وری مستلزم اصلاحات نهادی هم در طرف عرضه است و هم طرف تقاضا.

۸- در طرف عرضه، هزینه‌های تبدیل و مبادله تعیین‌کننده بهره‌وری هستند. موضوع تحلیل‌های اقتصاد متعارف، عمدتاً هزینه‌های تبدیل است. در اقتصاد نهادی بیشترین تأکید بر هزینه‌های مبادله صورت می‌گیرد و اعتقاد بر آن است که کاهش هزینه‌های سرانه مبادله شرط اساسی بهبود بهره‌وری است. نهادهای تعیین‌کننده هزینه‌های مبادله در اقتصاد ایران عبارتند از: نهاد حقوق مالکیت، نهادهای مرتبط با عدم اطمینان و ریسک، نهادها مؤثر بر تحرک سرمایه، نهادهای مرتبط با جریان شفاف اطلاعات. ضعف نهادهای فوق منجر به افزایش هزینه‌های مبادله شده و مانعی بر سر راه بهبود بهره‌وری تلقی می‌شود بنابراین هرگونه برنامه‌ای برای بهبود وضعیت بهره‌وری نیازمند توجه به اصلاح این نهادهاست.

۹- در طرف تقاضا، فقدان انگیزه لازم در افراد و بنگاه‌ها برای بهبود بهره‌وری (فقدان اراده عمومی) و ضعف حاکمیت سیاسی (فقدان اراده سیاسی) مانع از بهبود بهره‌وری می‌گردد. در کشورهایی که ساختار رانتی در آن غالب است، انگیزه افراد و بنگاه‌ها عمدتاً توسط سیاست‌های حاکمیت تعیین می‌شود. با توجه به وجود رانت عظیم درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران، به نظر می‌رسد، انگیزه‌های ایجادشده توسط نهاد سیاسی بیشترین نقش را در هدایت افراد و بنگاه‌ها به سمت فعالیت‌های بهره‌ور یا نابره‌ور داشته باشد.

۱۰- ماتریس نهادی برای تحقق انگیزه‌های بهبود بهره‌وری منحصر به فرد نیست بلکه ساختارهای نهادی مختلفی می‌توانند این شرایط را ایجاد نمایند. وجود نهاد دموکراسی متکی به آرای عمومی، انتخاب مجموعه نهادی مناسب را تضمین می‌نماید. لذا بهبود بهره‌وری در سطح کلان بدون اصلاحات در حوزه سیاسی امکان‌پذیر نیست.

۱۱- مقاله حاضر تنها نقطه شروعی است برای ورود به عرصه مطالعاتی که با رویکرد اقتصاد نهادی به موضوع بهره‌وری می‌نگرد؛ لذا انجام مطالعه روی ویژگی‌های نهادی مختلف و بررسی آثار آن‌ها روی بهره‌وری در بخش‌های اقتصادی یا مطالعه تطبیقی این ویژگی‌ها در کشورهای مختلف پیشنهاد می‌گردد.

منابع

الف - فارسی

۱. ابطی، سید حسین؛ کاظمی، بابک؛ بهره‌وری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۲. امینی، علیرضا؛ «اندازه‌گیری و تحلیل عوامل مؤثر بر بهره‌وری در بخش‌های غیر نفتی اقتصاد ایران و چشم‌انداز آن در برنامه سوم»، مجله برنامه و بودجه، ۱۳۷۹، شماره‌های ۵۴ و ۵۵.
۳. بانک جهانی، گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۲: نهادسازی برای بازار، انتشارات دانشگاه آکسفورد برای بانک جهانی، ترجمه علی حبیبی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات، ۱۳۸۵.
۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حساب‌های اقتصادی، موجودی سرمایه در اقتصاد ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)، ۱۳۸۸.
۵. پروکو پنکو، جوزف؛ مدیریت بهره‌وری، ترجمه محمدرضا ابراهیمی مهر، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۶. تمدن جهرمی، محمدحسین؛ رویارویی مکاتب اقتصادی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۷. جهانگرد، اسفندیار؛ «تحلیل بهره‌وری تولید، ناشی از تغییر فن آوری واسطه‌ای و عوامل اولیه فعالیت‌های اقتصاد ایران»، مجله برنامه و بودجه، ۱۳۸۰، شماره ۶۴.
۸. جنتی‌فرد، محمد؛ نیک رفتار، حامد؛ صفدری، فرناز؛ «گزارش رقابت‌پذیری ایران ۲۰۱۱-۲۰۱۰»، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۸۹.
۹. چاونس، برنارد؛ اقتصاد نهادی، ترجمه محمود متوسلی، علی نیکونسیتی و زهرا فرضی‌زاده، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
۱۰. داو، شیلای سی؛ کنکاشی پیرامون روش‌شناسی اقتصاد، ترجمه محمود متوسلی و علی رستمیان، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۸.
۱۱. رومر، دیوید؛ اقتصاد کلان پیشرفته نظریه رشد، ترجمه مهدی تقوی، جلد اول، تهران، دانشگاه آزاد، ۱۳۸۳.
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، گزارش ربع قرن عملکرد جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۱-۱۳۵۶، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۳.
۱۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد پنج ساله برنامه سوم توسعه، حوزه‌های فرابخشی، جلد اول، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات، ۱۳۸۴.
۱۴. عباسیان، عزت‌الله؛ و مهرگان، نادر؛ «اندازه‌گیری بهره‌وری عوامل تولید بخش‌های اقتصادی کشور به روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۳۸۶، شماره ۷۸.
۱۵. فرگوسن، چارلز. ای؛ جی. پی. گلد؛ نظریه اقتصاد خرد، ترجمه محمود روزبهان، جلد اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۱۶. کازرونی، علیرضا؛ سجودی، سکینه؛ «نقش بهره‌وری در تعیین دستمزد نیروی کار در بخش صنعت ایران (۸۲-۱۳۷۶) رهیافت داده‌های تلفیقی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۳۸۵، شماره ۷۶.
۱۷. متوسلی، محمود؛ حسینی‌زاده، سید محمدعلی، نیکونستی، علی؛ «نهادگرایی و تأثیر نظریه سرل در مورد نهادها بر آن»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۸۸، شماره ۴.
۱۸. متوسلی، محمود؛ مشهدی احمد، محمود؛ نیکونستی، علی؛ سمیعی نسب، مصطفی؛ اقتصاد نهادی: پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
۱۹. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۷۵، ۱۳۶۵، ۱۳۵۵، تهران، مرکز آمار.
۲۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۸۸. بانک اطلاعات قوانین و مقررات کشور (لوح حق)، ۱۳۸۸. قابل دسترسی در <http://www.majlis.ir/mhtml/index.php>
۲۱. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور؛ گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۴ و نظارت بر عملکرد سال اول برنامه چهارم توسعه، حوزه‌های فرابخشی، جلد اول، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات، ۱۳۸۶.
۲۲. _____؛ گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۵ و نظارت بر عملکرد دو ساله اول برنامه چهارم توسعه، حوزه‌های فرابخشی، جلد اول، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات، ۱۳۸۷.
۲۳. _____؛ گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۶ و نظارت بر عملکرد سه ساله برنامه چهارم توسعه؛ حوزه‌های فرابخشی، جلد اول، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، مرکز داده‌ورزی و اطلاع رسانی، ۱۳۸۸.
۲۴. میر، جرالد؛ استیگلیتز، جوزف؛ پیشگامان اقتصاد توسعه؛ آینده در چشم انداز، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
۲۵. نورث، داگلاس سی؛ نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، ۱۳۸۵، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲.

ب- لاتین

27. Abramowitz, Moses; 1956, «Resource and Output Trends in the United States since 1870», American Economic Review 46: 5-23.
28. Acemoglu, Daron; Simon Johnson and James A. Robinson; 2007, **Institutions as a Fundamental Cause of Long-Run Growth**, Printed in Handbook of economic growth, Edited by: Philippe Aghion and Steven Durlauf, Amsterdam:Elsevier. PP.385-472.
29. Aoki, Mashashiko; 2000, What are institutions and how should we approach them? Deutsche Stiftung für internationale entwicklung, Villa Borsig, Workshop series.
30. APO; 2009, **APO Productivity Databook 2009**, Asian Productivity Organization, Tokyo, Japan.
31. Bardhan, Pranab, 2005, **Scarcity, Conflicts and Cooperation: Essays in the Political and Institutional Economics of Development**, Cambridge, MA: MIT Press.
32. Baumol, W.J; 1990. **Entrepreneurship: productive, unproductive and destructive**, Journal of Political Economy 98 (5), 893-921.

33. Chavance, Bernard; 2007, *Institutional Economics*. Translated from the French by Francis Wells. 2009. New York: Routledge.
34. Coase, R.H; 1960, **The Problem of Social Cost**, Journal of Law and Economics, Vol.3. pp. 1-44.
35. Commons, John R; 1931, **Institutional Economics**, The American Economic Review, Vol. 21, No. 4. pp. 648-657.
36. Commons, John R; 1990[1934], *Institutional economics: It's place in political economy*, New Brunswick, NJ: Transaction Publishers, Vols.1-2.
37. Colander, David; Ric Holt and Barkley Rosser; **Changing Face of Mainstream Economics**, Review of Political Economy, 16,pp. 485-99.
38. Eggerston, Thrain; 1990, *Economic behavior and institutions*, New York: Cambridge University press.
39. Evans, Peter; 2008, *Interdisciplinary approaches to development: the 'institutional' turn International Handbook of Development Economics Edward Elgar LTD*, Edited by Amitava Krishna Dutt and Jaime Ros.
40. Greif, A; 2006, *Institutions and the Path to Modern Economy*, Lessons from Medieval Trade, Cambridge: Cambridge University Press.
41. Hall, William K; 2005, *The effect of institutions and infrastructure on economic performance: Analysis of the macro and micro evidence. PHD Dissertation in economics*, Department of economic, university Oregon.
42. Helpman, Elhanan; 2004, *The mystery of economic growth*, Harvard University Press, USA.
43. Hodgson Geoffrey M; 1998, **The Approach of Institutional Economics**, Journal of Economics Literature, Vol. XXXVI, PP: 166-192.
44. Hodgson, Geoffrey M; 2000, **What Is the Essence of Institutional Economics?**, Journal of Economic Issues, vol. 34: 317-29. Reprinted by University of Wisconsin-Madison in The Philosophy of Economics: An Anthology, Cambridge University Press, Third Edition, 2008, Edited by Daniel M. Hausman.
45. Hodgson, Geoffrey M; 2006, **What are institutions?**, Journal of Economic Issues. Vol. XL. No.1.
46. Hoff, Karla and Joseph Stiglitz; 2001, *Modern Economic Theory and Development*, Printed in G. Meier and J. Stiglitz, Frontiers of Development Economics, New York: Oxford University Press [World Bank], pp. 389-460
47. Hulten, Charles R; 2001, *Total Factor Productivity*, A Short Biography, Printed in New Developments in Productivity Analysis, University of Chicago Press.PP:1-54.
48. Isaksson, Andres; Thiam Hee Ng and Ghislain Robyn; 2005, *Productivity in developing countries: Trend and policies*, UNIDO, Vienna.
49. Jorgenson, W. Dale, and Mieko Nishimizu; 1978, U.S. and Japanese economic growth, 1952-1974: An international comparison. Economic Journal 88: 707-26.
50. Klein, Peter G; 1999, *NEW INSTITUTIONAL ECONOMICS*, Department of Economics, University of Georgia.
51. Klein, Philip A; 1993, *THE INSTITUTIONALIST CHALLENGE: BEYOND DISSENT*, Printed in Institutional Economics: Theory, Method, and Policy. Edited by Marc R. Tool. Kluwer Academic Publishers. United States of America.
52. Libenstein, Harvey; 1989, **The economics of organizations and institutions as the black box of economic development analysis**, World development, Special Issue, September, Vol.17, No.9. PP.1361-75.
53. Lucas, Robert E, Jr; 1988, **On the mechanics of economic development**, Journal of Monetary Economics 22:3-42.
54. Manser, Martin H. (Chief Compiler); 1995, *Oxford learner's pocket dictionary*. Oxford University Press. Oxford: Oxford University Press.
55. Mas-colell, Andreu, Michael D.Whinston and Jerry R.Green; 1995, *Microeconomic theory*, New York. Oxford university press.

56. Meier, Gerald; 2005, *Biography of a Subject: An Evolution of Development Economics*. New York: Oxford University Press.
57. Mjoset, Lars; 1992, *The Irish economy in a comparative institutional perspective*, National economic and social council, Dublin.
58. North, Douglas C; 1993, *Institutions, transaction costs and productivity in the long run*, Economic History, 9309004, EconWPA.
59. _____ ; 1994, *Institutions and productivity in history*, Economic History, 9411003, EconWPA.
60. North, Douglas C; 2005, *Understanding the process of economic change*. Princeton university press.
61. OECD; 2001, *Measuring productivity-OECD Manual: Measurement of aggregate and industry-level productivity growth*, Organization for European Economic Cooperation.
62. OECD; 2008, *OECD compendium of productivity indicators*, Organization for European Economic Cooperation.
63. Olson, Mancur; 1965, *The Logic of collective action*, Cambridge, Ma. Harvard university press.
64. Olson, Mancur; 2000, *Big bills left on the sidewalk*, A Not-So-Dismal science: A broader view of economics and societies, New York, Oxford university press. 35-60.
65. ONS (Office for National Statistics); 2007, *The ONS Productivity Handbook: A Statistical Overview and Guide*, Edited by Dawn Camus, Palgrave, Macmillan, United Kingdom.
66. Rashid, Salim; 2008, *International Handbook of Development Economics*. Edward Elgar LTD, Edited by Amitava Krishna Dutt and Jaime Ros.
67. Richter, Rudolf; 2005, *The New Institutional Economics: Its Start, Its Meaning, Its Prospects*, The European Business Organization Law Review (EBOR), 6:2, pp: 161 – 200.
68. Rodrik, Dani; 2007, *Growth Strategies*, Printed in Hand book of economic growth, Edited by: Philippe Aghion and Steven Durlauf. Amsterdam:Elsevier. PP.967-1014.
69. Romer, Paul M; 1986, *Increasing returns and long-run growth*, Journal of Political Economy 94 (5): 1002–37.
70. Solow, R.M; 1956, *A Contribution to the Theory of Economic Growth*, The Quarterly Journal of Economics. Vol. 70. No. 1. pp. 65-94.
71. Solow, R.M; 1957, *Technical change and aggregate production function*. Review of Economics and Statistics. 39(3) , PP.312-20.
72. Veblen, T; 1899, *The Theory of the Leisure Class*, Mineola, NY: Dover Publications, 1994.
73. Williamson, Oliver E; 1985, *The Economic institutions of capitalism: Firms, Markets, relational contracting*, The Free Press.
74. Williamson, Oliver E; 2000, *The New Institutional Economic: Taking Stock, Looking Ahead*, Journal of Economic Literature, Vol. XXXVIII, PP: 595-613.